



انتشارات
به نگار

عشق و شب و زمی

جستارها، یادداشتها، نقد و نظر درباره ادبیات فارسی فرهنگ ایران

مهران افشاری

سرشناسه: افشاری، مهران، - ۱۳۴۶

عنوان و نام پدیدآور: عشق و شباب و رندی:
جستارها، یادداشتها، نقدها و نظرها درباره ادبیات

فارسی و فرهنگ ایران/ مهران افشاری

مشخصات نشر: تهران: بهنگار، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری: ۲۳۳ ص.

شابک: 978-964-6332-84-3

عنوان دیگر: جستارها، یادداشتها، نقدها و نظرها

درباره ادبیات فارسی و فرهنگ ایران

موضوع: ادبیات عامه ایران- مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: ادبیات فارسی- مقاله‌ها و خطابه‌ها

ردمبندی کنگره: ۱۹۳۱ ع ۵ ۷ الف / PIR۹۷۶

ردمبندی دیویی: ۸۹۹ / ۰۸

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۲۳۳۳۲۹۸

عشق و شباب و رندی

جستارها، یادداشتها، نقدها و نظرها درباره ادبیات فارسی و فرهنگ ایران

مهران افشاری

لینترگرانی: هماگرافیک

چاپ: چیدری

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۱، تهران

شابک: ۳-۸۴-۶۳۳۲-۹۶۴-۹۷۸

۹۵۰۰ تومان

نشانی: یوسف‌آباد، خیابان دوم، پلاک ۲۱، طبقه ۵، واحد ۲۳

تلفکس: ۸۸۹۹۲۸۰۰-۱

info@behnezar-sub.com

حق چاپ و انتشار محفوظ و متعلق به انتشارات بهنگار است.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان قرار دارد.

فهرست مطالب

۹	دیباچه
۱۳	جستارهایی در اساطیر و فرهنگ مردم ایران
۱۵	روایتی دیگر درباره قُما
۲۵	از عروج بن عتق تا کندر و دیو
۳۳	جستجویی در تاریخ مناقب خوانی و اشاره‌هایی به منظومه علی‌نامه
۶۹	نشانه‌هایی از فرهنگ مردم در مثنوی
۸۷	شوخی با واژه‌ها
۱۰۱	یادداشت‌هایی از متون کهن فارسی
۱۰۳	عشق و شُبَاب و رندی
۱۲۹	یادداشت‌هایی راجع به مناقب العارفین
۱۴۳	گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن
۱۵۱	تأمل در آثار و زندگی معاصران
۱۵۳	حافظ در آینه شعر سایه
۱۶۷	شعر و شاعری از دیدگاه اخوان
۱۷۹	استاد زرین کوب، آن‌گونه که او را شناختم
۱۹۱	هوشنگ اعلیم، دانشمندی کم‌آوازه
۲۰۳	پیوست
۲۲۳	فهرست راهنما

دیاجه

عشق و شیب و رندی مجموعه مراد است
چون جمع شد معانی، گوی بیان توان زد
حافظ

در هنگام نوجوانی که مسیر زندگی خود را از تحصیل در رشته علوم تجربی به خواندن ادبیات فارسی سوق دادم، عاشق ادبیات فارسی شده بودم. امروز پس از بیست و اندی سال که از آغاز تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی می‌گذرد، به لطف یزدان هنوز همان عاشقم. شاید کمتر شبی باشد که بی یاد ادبیات و فرهنگ ایران در بستر به خواب روم و روزی نباشد که به هنگام پگاه، آن را با اندیشیدن به ادبیات فارسی آغاز نکنم.

هنوز به رغم تلخکامیها و رنجهایی که در این مسیر نصیبم شد، دلباخته فرهنگ ایران و ادبیات فارسیم. نگران آنم و دلوایس برای آینده آن. چه می‌بینم قطاع‌الطریق را که نظربد به معشوقم، یعنی ادب فارسی، دارند و می‌خواهند با نام ادبیات فارسی به مطامع دنیایی خود برسند. ادبیات فارسی را هیچ قدر نمی‌دانند و برای رشد و پیشرفت آن هیچ دل نمی‌سوزانند اما ادبیات فارسی دکان کسب پول و شهرت برای آنان شده است. من عاشق چه توانم کرد؟ به قول سراجیه ابوالفضل بیهقی «به دست من امروز جز این قلم نیست. باری خدمتی می‌کنم».

اگر با این «نفثة المصذور» دل سپید کاغذ را سیاه می‌کنم برای آن جوانان پاک‌سرشتی است که چونان من با عشق به زبان و ادبیات فارسی به تحصیل در این رشته روی آورده‌اند. عاشقان پاکبازی که قلبشان برای فرهنگ ایران و ادب

فارسی می‌تپد. مخاطب من آنانند و می‌خواهم آن عزیزان را هوشیار کنم که از نظر بنده وضع تحقیق در ادبیات فارسی و خاصه نقد ادبی در کشور ما رو به افول است. باید همت کرد و آنچه را از دانشمندان گذشته این رشته به ما رسیده است، پاس داشت و راه آنان را باید پیمود. راه، بس دشوار و پر پیچ و تاب است اما روشن و پیداست: باید «باسواده» شد! باید از جهل و نادانی پرهیز کرد! باید خواند و خواند و آنگاه اندیشید! امروز ادبیات فارسی به اندیشیدن و دانش نیاز دارد.

دانش اندر دل چراغ روشن است وز همه بد بر تن تو جوشن است
متون کهنی را که یاکان ما برایمان یادگار گذاشته‌اند باید حفظ کرد، باید آنها را مطالعه کرد و کاوی کرد در مضامین و محتوای آنها باید اندیشید! با اندیشیدن است که می‌توان در ادب فارسی تحقیق کرد و سخنان نو را از دل متنهای کهن حاصل نمود. دریغ است که راه علامه محمد قزوینی، علی‌اکبر دهخدا، بهار، فروزانفر، همایی، مینوی، دکتر معین و دکتر خالصری و دهها دانشمند دیگر بی‌رهر و بماند. بر شما دانشجویان زبان و ادبیات فارسی فرض است که شبانه‌روز زحمت بکشید، مطالعه کنید و راه استادان سلف را ادامه دهید؛ گو اینکه کسی دشت شما را نگیرد، خود دست به زانو نهید و به پا خیزید و برای پیشبرد تحقیقات ادبی حرکت کنید!

شرمسارانه باید بگویم ادعایی ندارم که در این راه، خود بسیار موفق بوده‌ام (چون استادان موفق را خوشبختانه دیده‌ام و شناخته‌ام) اما بر این باورم که عمرم به بیهودگی نگذشته است، در عرصه تحقیقات ادبی سخت کوشیده‌ام، سخنان بزرگان را ندزدیده‌ام و مباحث دیگران را تکرار نکرده‌ام، خواسته‌ام که با دلیل و سند حرفی نو را بیان کنم و صادقانه خدمتی کنم، خدمتی به فرزندان ایران، به دانشجویان زبان و ادب فارسی.

کتاب حاضر به دنبال تازه‌به‌تازه، نویه‌نو، درباره اساطیر و فرهنگ مردم (تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۵ ش.) و نشان اهل خدا، مجموعه مقاله‌ها در نقد و

تحلیل ادبیات عرفانی فارسی (تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۶ ش.) سومین دفتر از نوشته‌های ادبی و تحقیقی نگارنده است. عنوان آن را، که عنوان یکی از مباحث کتاب نیز هست، از بیت مشهور حافظ شیراز وام گرفته‌ام، زیرا در خاطر من چند موضوعی را که در زندگی ادبی خود دریافته‌ام و تجربه کرده‌ام، تداعی می‌کند:

(۱) برای خدمت کردن به زبان و ادبیات فارسی باید عشق داشت. بی یاری نیروی عشق نمی‌توان سنگلاخها را درنوردید و سختیها را هموار کرد.

(۲) برای باسواد شدن و تحقیق کردن باید از دوران جوانی کوشید. سستی و کاهلی و تن آسانی را باید در ایام شباب از خود دور کرد تا عمری توان کار کرد. - امیدوارم دانشجویان جوان زبان و ادب فارسی قدر توش و توان دوران جوانی خود را بدانند و جوانی گرانبها را به غفلت و تبلی نسپرند، در جوانی تا آنجا که می‌توانند با شور و عشق مطالعه و تحقیق کنند.

(۳) آن رندی که حافظ از آن سخن می‌گوید، تنها مختص به ساحت والای اوست و ما را از آن بهره‌ای نیست. اما بند در اینجا رندی را به هوشیاری و دانایی و آزادگی تعبیر می‌کنم که آدمی در ورود به عرصه تحقیق و تألیف ناگزیر از آن است تا هم فریفته دغل کاران نشود، و هم با ناامایمات و ناگواریهای بسیار، دلسرد و ناامید نگردد، و هم آلوده ناجوانمردیها نشود.

(۴) با توجه به معانی متون ادب فارسی است که می‌توان مباحثی نو را بیان کرد و از بند «تکرار» رهید. متن کهنه و نو فرقی ندارد، باید به معانی متون پرداخت، مضامین و محتوای آنها را باید کاوید و شکافت تا نقد ادبی در کشور ما تازه و باطراوت باقی بماند، تا گوی بیان توان زد.

عشق و شباب و رندی را به سه بخش تقسیم کرده‌ام: بخش نخست شامل پنج مقاله است که هر کدام به گونه‌ای یا به اساطیر و افسانه‌ها و یا به فرهنگ عامه مرتبط است. بخش دوم یادداشت‌های تحقیقی است که در طی سالها از مطالعه متون ادب فارسی فراهم کرده‌ام و به صورت سه مقاله عرضه شده است. بخش سوم به ادبیات معاصر ایران مختص است و شامل دو نقد درباره شعر دو شاعر

برتر روزگار ما و دو مقاله دانشنامه‌ای درباره دو محقق بی‌نظیر، ممتاز و عالی مقام است که امید است رهنمون پویندگان عرصه فرهنگ و ادبیات ایران باشد. برخی از مقاله‌ها پیشتر از این منتشر شده است که در پایان یادداشت‌های آنها جای و تاریخ نشرشان را ذکر کرده‌ام.

از دوست جوان پاک‌طینت و دانشجوی فاضل، آقای محمد سامان جواهریان که در غلط‌یابی نمونه‌های چاپی و تهیه فهرست راهنما بنده را یاری بسیار کرده است، بسیار سپاسگزارم.

در پایان این سخن از خداوند بزرگ و مهربان سپاسگزاری می‌کنم و از او خواهانم که ما را از کبر و ریا مصون و محفوظ بدارد، که کبریائی او را سزااست و ما بنده ضعیفیم؛ و ریا «شرک» است و تنها خدا را باید پرستید.

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه اُنِیب

تهران، باغ صبا، آرداد ۱۳۸۹

مهران افشاری